



# مجله حقوق قرمز



شاپا چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳  
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳

دوره ۹ - شماره ۲۷ - بهار ۱۴۰۵

بار اثبات دعوا در داوری تجاری بین المللی  
 همایون مافی، مانده اصغرزاده  
 تحلیل رویه احراز صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی جهت رسیدگی به ازدواج اجباری  
 محمدحسین رضائی قوام‌آبادی، پوریا ابراهیم زاده  
 بازاندیشی حقوقی در استفاده از هوش مصنوعی برای اجرای مجازات حبس در ایران و نظام های حقوقی مختلف  
 امیررضا محمودی، آتوشا ظفری کوره تاش  
 حقوق فدراسیونی در فوتبال: رویکرد نظام‌های حقوقی ایران، فرانسه، انگلستان، آرژانتین، برزیل، اسپانیا و کلمبیا  
 بهنام نورزاده  
 تعارض آیین نامه ماده سوم قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول با قوانین و اصول حقوقی  
 اکبر ایمان پور، سهنند نجادی ایجادکار  
 شخصیت مجرمانه و رابطه آن با مجازات موثر  
 مریم بهمنی، مصطفی کرمی پور  
 چالش‌ها و موانع تفسیر قراردادها در حقوق ایران  
 فرزین یزدان پناه، محمدرضا نصیری  
 تدابیر پیشگیری از فساد مالی در نظام بانکی  
 علیرضا درائی، سیدابراهیم مرتضوی، امیرحسن ابوالحسنی  
 طلاق به درخواست زن در نظام حقوقی ایران  
 محمد احمدی، حلما سادات ذریه کرمانشاهی  
 ماهیت کیفری قرعه کشی های آنلاین در حقوق ایران  
 محمدحسین حاجب، زهرا ربانی، رویا آسیایی  
 قرارداد بیع متقابل در نظام حقوقی ایران  
 صادق محبی، محمدعلی جهانی  
 ویژگی ها و خصوصیات جرائم سایبری در نظام کیفری ایران  
 سیده الهه بابونکی  
 بررسی حق اشتغال زنان در حقوق بین الملل  
 حبیب اله عبدالله پور، سما خدایاری  
 اثرگذاری اقدامات تأمینی و تربیتی در بازاجتماعی شدن بزهکاران نوجوان؛ نمونه پژوهی مجتمع قضایی شهید فهمیده  
 لیلا احدی  
 مقابله به مثل در قرآن کریم و جایگاه آن در سیاست کیفری اسلامی  
 رژین مسعودی، جمال رضایی حسین آبادی  
 واکاوی حقوقی ساختار نظارتی بازار غیرمتشکل پولی در ایران: از ابهامات مفهومی تا چالش‌های تقنینی و اجرایی  
 علی بابایی  
 تاثیر نهادهای مستقل بین المللی بر کارآمدی تحریم ها در حقوق تجارت بین الملل  
 الهه قربان کریمی  
 بر مدار مصلحت عالیه کودک؛ تحلیل حضانت با رویکرد حقوقی، فقهی و روان‌شناختی تا شناخت خلاهای تقنینی  
 مونا کمیلی  
 بازپروری حقوق بشردار و محدودیت های آن در نظام کیفری ایران  
 امین رضا بهار فلامرزی  
 تحلیلی بر مسئولیت محض مدنی در حوادث صنایع شیمیایی؛ مطالعه موردی واحدهای تولید متانول ایران  
 محمد جوکار، ساسان وزین پور  
 آسیب شناسی مجازات سالب حیات در حقوق کیفری ایران  
 محمدرضا رضائی  
 اجرای مقررات ملی شدن اراضی در خصوص اراضی وقفی با تاکید بر رویه قضایی  
 اسماعیل چوگانی  
 سیاست کیفری بین‌المللی در قبال نسل کشی: تحلیل تطبیقی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی  
 علی هادیان حقیقی، صابر سیاری زهان  
 تحلیل جرم شناختی کولبری در مناطق مرزی ایران و مقایسه آن با قاچاق کالا  
 مرتضی هاشم پور  
 چالش ها و آسیب های حقوقی موسسات اعتباری غیرمجاز در نظام پولی ایران  
 امین امینی نژاد  
 تاثیر اختلال کارکرد قشر پیش‌پیشانی بر مسئولیت کیفری در جرم قتل عمدی  
 حمید غیاثی، مهدی شعبان زاده  
 هوش مصنوعی و حق بر محاکمه عادلانه در پرتو قانون اساسی ایران  
 پوریا ژولیده  
 تأثیر مخارج و پدھی دولت بر رشد بازار سهام در ایران  
 راضیه جنتی نژاد  
 جایگاه نهاد طرف معامله مرکزی در معاملات فرامرزی و تأثیر آن بر اصل نسبی بودن قراردادهای در حقوق ایران، اروپا و ایالات متحده آمریکا  
 عارفه قاسم زاده ده آبادی  
 راهکارهای پیشگیری و مقابله با جرائم سایبری  
 احمد پدیدار



## The Effectiveness of Security and Educational Measures in the Resocialization of Juvenile Delinquents; A Case Study of Shahid Fahmideh Judicial Complex

## اثرگذاری اقدامات تأمینی و تربیتی در بازاجتماعی شدن بزهکاران نوجوان؛ نمونه پژوهی مجتمع قضایی شهید فهمیده

Leila Ahadi

Master of Science in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Humanities, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran

لیلا احدی

کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران  
leila.ahadi.law@gmail.com

### Abstract

The present study aims to identify the role of security and educational measures in the resocialization of juvenile delinquents in Tehran, using a quantitative research method based on a questionnaire and its statistical population includes juveniles in the Shahid Fahmideh Judicial Complex during the years 2016 to 2019. Given the limitations of the statistical population in the present study, an attempt has been made to provide the research questionnaire to juveniles in the Shahid Fahmideh Judicial Complex during the years 2016 to 2019; therefore, all units of the community as sample units have had an equal chance of collecting data. Finally, after referring to the members of the statistical population, 158 questionnaires were completed, collected, and analyzed. The research findings indicate that there is a significant relationship between the two variables of Iran's criminal policies towards juvenile delinquents and their resocialization. In other words, the more Iran's criminal policies towards juvenile delinquents improve, the faster their resocialization will be, and vice versa. In general, the findings show that child and adolescent custody programs and measures are far from modern scientific approaches, and adopting a strict custody policy without considering the emotional needs of children and adolescents and providing support platforms after leaving cannot lead to the reform, rehabilitation, and reconstruction of the personality of the juvenile in conflict with the law. It is suggested that planning be used to draw a roadmap, especially paying attention to mediation and the possibility of referring to a mediator in all juvenile and adolescent crimes, and that other restorative justice-based programs such as creating a social circle of treatment and adolescent participation in decision-making be considered, taking into account the principle of respecting the best interests of the child.

**Keywords:** Security and Educational Measures, Criminal Policy, Personal and Environmental Characteristics, Resocialization, Juveniles.

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی نقش اقدامات تأمینی و تربیتی در بازاجتماعی شدن بزهکاران نوجوان در تهران و با روش تحقیق کمی و مبتنی بر ابزار پرسشنامه و جامعه آماری آن شامل نوجوانان مجتمع قضایی شهید فهمیده طی سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۲ است. با توجه به محدودیت جامعه آماری در پژوهش حاضر، تلاش شده تا پرسشنامه پژوهش در اختیار نوجوانان مجتمع قضایی شهید فهمیده طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ قرار گیرد؛ از این رو، کلیه واحدهای جامعه به‌عنوان واحدهای نمونه از شانس برابر برای جمع‌آوری داده‌ها برخوردار بوده‌اند. در نهایت، پس از مراجعه به اعضای جامعه آماری، تعداد یکصد و پنجاه و هشت پرسشنامه تکمیل، جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که ارتباط معناداری بین دو متغیر سیاست‌های جنایی ایران در قبال بزهکاران نوجوان و بازاجتماعی شدن آنان وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه قدر سیاست‌های جنایی ایران در قبال بزهکاران نوجوان بهبود یابد، در روند بازاجتماعی شدن آنان نیز تسریع خواهد شد و بالعکس. به‌طور کلی، یافته‌ها نشان می‌دهند که برنامه‌ها و تدابیر نگهداری اطفال و نوجوانان از رویکردهای علمی نوین، فاصله زیادی داشته و اتخاذ سیاست نگهداری سختگیرانه بدون توجه به نیازهای عاطفی اطفال و نوجوانان و فراهم نمودن بسترهای حمایت بعد از خروج، نمی‌تواند منجر به اصلاح، بازپروری و بازسازی شخصیت نوجوان معارض قانون گردد. پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی پیرامون ترسیم نقشه راه خصوصاً توجه به میانجیگری و امکان ارجاع به میانجیگر در تمام جرائم اطفال و نوجوانان، استفاده شود و از سایر برنامه‌های مبتنی بر عدالت ترمیمی نظیر ایجاد حلقه اجتماعی درمان و مشارکت نوجوان در تصمیم‌گیری با توجه به اصل رعایت مصالح و منافع عالی کودک مدنظر قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** اقدامات تأمینی و تربیتی، سیاست جنایی، ویژگی‌های فردی و محیطی، بازاجتماعی شدن، نوجوانان.

Received: 2026/03/27 - Review: 2026/05/15 - Accepted: 2026/06/12

دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۳/۲۷ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۵/۰۵/۱۵ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۶/۱۲

ارجاع:

احدی، لیلا؛ (۱۴۰۵)، اثرگذاری اقدامات تأمینی و تربیتی در بازاجتماعی شدن بزهکاران نوجوان؛ نمونه پژوهی مجتمع قضایی شهید فهمیده، تمدن حقوقی، شماره ۲۷.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



### مقدمه

در برخی از کشورها سیستم آموزشی و حقوقی اطفال مبتنی بر پیشگیری رشدمدار تعریف شده است، به گونه‌ای که تلاش می‌شود اطفالی که به هر دلیل معارض قانون قلمداد شده‌اند با اتخاذ تدابیر مناسب به چرخه بازاجتماعی شدن بازگردند. در این راستا، همسویی ملل مختلف در پذیرش کنوانسیون حقوق کودک و لزوم بهره‌مندی از سیاست‌های یکسان اصلاح و تربیتی کودکان معارض قانون قابل توجه است. قانون‌گذار ایران نیز نگرش و رویکردهای نوینی به حوزه بزهکاری اطفال و نوجوانان داشته است که موارد متعددی را در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌توان مشاهده نمود، هرچند اغلب این مقررات کیفری در نحوه رسیدگی با توجه به سبقه و ذهنیت کیفری قضات رسیدگی‌کننده و عدم تشکیل دادگاه‌های اختصاصی اطفال در معنای خاص خود ره به‌جایی نبرده‌اند.

یکی از موارد مهم در رسیدگی به پرونده‌های اطفال و نوجوان، شمول مقررات خاص در نگهداری این اطفال در کانون اصلاح و تربیت است. بخشی از اطفال مستقر در کانون سابقه نگهداری مکرر در این مراکز و تکرار جرم را دارند که لازم است درباره اثرگذاری این تصمیم تأمینی بررسی

صورت گیرد. همچنین، نبود امکانات مناسب زندانبانی سبب شده است که مراکز نگهداری کودکان معارض قانون در هر استان صرفاً در یک مرکز خلاصه گردد. به عبارتی، اطفال بزهکار با فرهنگ‌ها و موقعیت‌های خانوادگی متفاوت از شهرستان‌های استان‌ها به این مرکز معرفی می‌شوند.

بنابراین، توجه به تأثیرات منفی فردی و اجتماعی و لزوم توجه به حفظ کرامت، اصلاح و بازپروری کودک در اسناد بین‌المللی و خصوصاً تأکید کنوانسیون حقوق کودک به محروم کردن از اجتماع و فرستادن او به کانون اصلاح و تربیت به‌عنوان آخرین راه ممکن، لازم و ضروری است تا فارغ از تلاش برای منع برجسب‌زنی عنوان مجرمانه به کودک بزهکار، زمینه‌های بازپروری را با تمرکز بر سیاست جنایی افتراقی در رسیدگی به پرونده‌های اطفال اعمال نمود. آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی تربیتی مصوب ۱۴۰۰ نیز به درستی با اتخاذ رویکردهای ترمیمی مقرر کرده است که اصل رعایت مصالح، منافع عالی، اصل بقاء و رشد افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در تمام تصمیمات و اقدام‌های مربوط به آن‌ها در سازمان و کانون الزامی است. کانون نیز مکلف است در راستای اصل مشارکت، ضمن توجه به دیدگاه‌های مددجویان، زمینه مشارکت آن‌ها را در تصمیمات و برنامه‌های مرتبط فراهم کند و در اجرای اصل رعایت مصالح و منافع عالی، تمام تصمیمات و اقدامات تنبیهی و محدودکننده باید قابلیت بازبینی و تعدیل داشته باشد.

یکی از اولویت‌های بزه دیده‌شناسی، آسیب‌های ناشی از کارکردهای اطفال و نوجوانان، به لحاظ وضعیت فیزیولوژیکی آنان می‌باشد. از میان تمام اشکال سوءاستفاده‌ها در ارتباط با این قشر حساس، موضوع کودکان کار که برآیند ساختارهای ناکارآمد شناختی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد، مورد توجه قانون‌گذار در دهه ۱۳۹۰، قرار گرفته است. لذا با توجه به اهمیت بررسی تصمیمات تأمینی و تربیتی محاکم در مورد نوجوانان و آسیب‌شناسی این تصمیمات از دیدگاه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و آئین دادرسی کیفری و عرف، در راستای شناسایی خلأهای موجود و ارائه راهکار درباره رفع چالش‌ها در این باره، بر آن شدیم تا نسبت به آسیب‌شناسی تصمیمات محاکم در بازاجتماعی شدن نوجوانان گامی هرچند کوچک جهت ایجاد

منبعی نوین برای جامعه علمی و حقوقی کشور برداریم و پاسخگوی پرسش‌هایی در این حوزه باشیم. شایان ذکر است که پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و در جمع‌آوری منابع از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است و به دنبال پاسخ به این پرسش است که اقدامات تأمینی و تربیتی چه تأثیری در بازاجتماعی شدن بزهکاران نوجوان بین سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۲ در مجتمع قضایی شهید فهمیده داشته است؟

### پیشینه پژوهش

درباره این عنوان به لحاظ این که هنوز موضوعات کیفری مربوط به اطفال و نوجوانان بسیار نوپا می‌باشد، تاکنون پژوهشی که به‌طور مستقیم به ارتباط بین اقدامات تأمینی و تربیتی در بازاجتماعی شدن بزهکاران بپردازد، انجام نشده است، هرچند پژوهش‌هایی به‌صورت غیرمستقیم با موضوع مورد نظر نگارش شده است که در ذیل به آن اشاره خواهیم کرد:

اول- پورمحمی‌آبادی و زند رضوی به مطالعه چالش‌های عاطفی خانواده و تأثیر آن بر بزهکاری کودکان پرداخته‌اند که در نتیجه آن بیش از چهل و هشت درصد کودکان تحت نظر در کانون اصلاح و تربیت کرمان<sup>۱</sup> از روابط خانوادگی سالمی برخوردار نبوده‌اند. در این پژوهش، به سایر عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان و راهکار بازاجتماعی شدن آن‌ها پرداخته نشده است. دوم- بابایی فرد در پژوهشی که مورد نگارش قرار داده است به این موضوع اشاره داشته است که حدود مسئولیت جزایی اطفال و نوجوانان به‌طور دقیق شناخته نشده و باب تفسیر را در متون جزایی به آسانی گشوده است و مورد بررسی قرار داده است. معهدا، به دلیل گستردگی ایران و تنوع فرق و مذاهب با توجه به ساختار بومی قابلیت بررسی و پژوهش بیشتر دارد.

سوم- خرسندآستاجین در پژوهشی مبانی، اصول و سازوکارهای مورد استفاده در تمام مراحل دادرسی اطفال و نوجوانان در جهت اصلاح و بازپروری آنان را مورد بررسی قرار داده است. لیکن اثر

نهادهای حمایتی همچون مددکاری اجتماعی و نهادهای روانشناختی مورد پژوهش قرار نگرفته است. چهارم- رجبی و شاملو به بررسی تحولات نهاد اقدامات تأمینی و تربیتی پرداختند. یافته‌ها مبین آن است که با افزایش جرایم و نارسایی روش‌های مقابله با آن‌ها مجازات را به تنهایی برای حفظ امنیت جامعه کافی ندانسته‌اند. به تعبیر آن‌ها باید راهکارهای دیگری برای صیانت از نظم اجتماعی و پیشگیری از ارتکاب جرم پیدا نمود. همچنین، بر اساس یافته‌های پژوهش، متناسب با وضع مزاجی، استعداد، منش و سوابق فرد خاطی باید تدبیری اندیشید تا او بهبود یافته و با اجتماع سازگار گردد. با توجه به این که موضوع پرچالش و کلی می‌باشد بهتر بود جامعه آماری مشخص و بازه زمانی معلوم مورد قرار می‌گرفت.

پنجم- پاک سیرت به بررسی نقش دادرسی و دادگاه در پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان مبادرت نموده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که اطفال و نوجوانان سرمایه‌های معنوی هر جامعه محسوب می‌شوند که سلامت روح و جسم آن‌ها تعیین‌کننده سلامت جامعه در آینده خواهد بود. همچنین، نتایج پژوهش نشان‌دهنده آن است که با تأکید بر تخصص‌گرایی، جلب مشارکت مردمی و با تأکید بر ضرورت موضوع پیشگیری از جرم می‌توان گامی مؤثر در اصلاح و بازپروری اطفال و نوجوانان بزهکار برداشت. فقدان جامعه آماری واقعی جهت بررسی دقیق‌تر و واقعی‌تر و دست یافتن به نتایج ملموس احساس می‌گردد.

ششم- قزل‌ایاق ضمن بررسی اقدامات تأمینی و بازپرورانه در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار در روند رسیدگی بر آن شده تا با استفاده از راهکارهایی از نهادهای آیین دادرسی کیفری قرائتی پیشگیرانه از بازبزهکاری اطفال و نوجوانان ارائه دهد. او در پژوهش‌اش بر این عقیده بوده که اطفال و نوجوانانی را که به هر دلیل مقررات عمومی را زیرپا می‌گذارند، نمی‌توانیم به مانند بزرگسالان مجرم بشناسیم و آن‌ها آموزش زندگی در شرایط سخت، تحت اصول قانونی را باید فرا بگیرند. وی در نتیجه پژوهش خود اولین راهکار را دوری جستن از سرکوب کیفری کودکان و نوجوانان گفته است و بر باز گذاشتن دست قضات دادگاه‌های اطفال و نوجوانان تأکید داشته است تا بتوانند با قرائتی نو از

قانون آن‌ها را به نحو درستی بازپروری کنند. در این پژوهش به قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ که رویکردی حمایتی دارد و می‌تواند در رویه قضایی به کمک مقام قضایی آید، نپرداخته است.

هفتم - فلاح دهقانی به‌شناسایی مؤلفه‌ها و الزامات دادرسی الکترونیک اطفال و نوجوانان پرداخته است. او یکی از جلوه‌های فناوری نوین را ایجاد نظام دادرسی الکترونیک و دسترسی وسیع به اطلاعات می‌داند. وی به بررسی اقداماتی که در مسیر الکترونیک شدن دادرسی اطفال و نوجوانان انجام گرفته است می‌پردازد. با توجه به تحولات و پیشرفت مستمر فناوری، روند دادرسی الکترونیک از ملزومات فرایند دادرسی بوده و می‌بایست متناسب با پیشرفت تکنولوژی، به روزرسانی گردد. در این پژوهش، صرفاً به مزایای ثبت رایانه‌ای پرونده‌های قضایی بزهکاران نوجوان پرداخته است و جنبه دیگری بررسی نشده است. هشتم - لطفی به مطالعه پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق ایران پرداخته است. بر اساس نتایج به دست آمده، برای پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان، پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی تأثیرگذارتر از دیگر طبقه بندی‌های پیشگیری است. بررسی پیشگیری وضعی با کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و کنترل موقعیت‌های جرم‌زا از طریق دشوار ساختن ارتکاب جرم و افزایش خطر ارتکاب جرم و کاهش جاذبه آماج‌ها می‌تواند گامی مؤثر در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان بردارد.

نهم - سایبانی و نیازپور به بررسی رویکرد دادرسی اطفال و نوجوانان از منظر الگوهای سیاست جنایی پرداخته‌اند. از آن جا که از منظر دادرسی عادلانه، رسیدگی به بزهکاری اطفال و نوجوانان با افراد بزرگسال تفاوت‌های اساسی دارد در الگوهای سیاست جنایی مختلف و اسناد بین‌المللی متعدد، متولیان سیاست جنایی به‌طور معمول در مقررات تقنینی و فراتقنینی حق اطفال و نوجوانان در دسترسی به دادرسی عادلانه را موردشناسایی قرار داده‌اند. اما این حق مطروحه را به هنگام اجرا و در مقام عمل با معضلات و محدودیت‌های قانونی کثیری مواجه می‌دانند که این موضوع کماکان قابلیت بررسی بیشتر را دارد.

دهم- شاملو و همکاران به مطالعه تطبیقی اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی نسبت به کودکان و نوجوانان در حقوق ایران و مصر مبادرت نموده‌اند. در این راستا، به مقایسه اقدامات تأمینی و تربیتی و نظام اجرای احکام کیفری کودکان و نوجوانان در حقوق ایران و مصر با نگاهی آسیب‌شناسانه به حقوق ایران پرداخته می‌شود تا از این رهگذر بتوان در جهت اصلاح نظام اجرای احکام کیفری کودکان و نوجوانان ایران، پیشنهادهایی کارآمد را ارائه نمود.

## ۱- مفاهیم

### ۱-۱- اقدامات تأمینی و تربیتی

اقدامات تأمینی برای اولین بار در سال ۱۹۰۲ میلادی در قانون کشور نروژ پیش‌بینی شد. سپس در سال‌های ۱۹۰۸، ۱۹۳۰، ۱۹۲۷ و ۱۹۳۳ میلادی به ترتیب در کشورهای انگلستان، بلژیک، سوئد و اسپانیا نظام دوگانه اقدامات تأمینی-مجازات‌ها پذیرفته و به اجرا درآمد. بلژیک با وضع قانون مصوب ۱۹۳۰ میلادی مشهور به «قانون دفاع اجتماعی» نگهداری بزهاران غیرطبیعی به موجب حکم دادگاه را برای مدتی نامعین به منظور درمان و اصلاح آن‌ها پیش‌بینی کرد.

برخی می‌گویند اقدامات تأمینی به وسیله حقوقدان سوئیسی کارل استوس ایجاد شده است. اقدامات تأمینی از یافته‌های علم جرم‌شناسی و راه‌حل‌های پیشنهادی مکتب اثباتی<sup>۲</sup> به منظور از بین بردن «حالت خطرناک» و پیشگیری از ارتکاب جرم مجدد است که از اواخر قرن نوزدهم میلادی مورد نظر تعداد زیادی از نظام‌های جزایی قرار گرفت. در قانون مجازات عمومی ایران نیز با اقتباس و الهام از قانون جزای فرانسه مصوب ۱۸۱۰ میلادی صرفاً مجازات و انواع مختلف آن را پیش‌بینی کرده بودند ولی به تدریج اشکال جدیدی از واکنش بر ضد جرم وارد مقررات کیفری ایران شد. اقدام تأمینی در کشور ما با اقتباس از قانون جزای ۱۹۳۷ میلادی سوئیس تهیه و در سال ۱۳۳۷ شمسی به مجلس شورای ملی تقدیم شد و در نهایت در بیست و یک ماده تحت عنوان قانون اقدامات تأمینی در

مورخ ۱۳۳۹/۰۲/۱۲ به تصویب مجلسین وقت رسید.

در حال حاضر، در اکثر کشورها اقدامات تأمینی و تربیتی با کمیت و کیفیت گوناگون مورد پذیرش واقع شده و به مرحله اجرا در آمده است. نکته قابل توجه آن است که مجازات بیشتر و غالباً بر ضد جرم داده می‌شود در صورتی که جهت گیری اقدامات تأمینی که پیشگیری فردی است باید از کيفرها تفکیک و در بخش خاصی از قوانین جزایی پیش‌بینی شود. در واقع، جهت گیری اقدامات تأمینی و تربیتی جلوگیری از حدوث جرائم با اعمال راه‌های اصلاحی، درمانی، تربیتی و یا خنثی کردن خطرهای احتمالی اشخاص و یا اشیاء و مؤسسه‌هایی است که وضعیت خطرناک<sup>۳</sup> دارند. همچنین، از جمله مسائل مهم سیاست جنایی کیفرزدایی می‌باشد که به دنبال اقدامی غیر کیفری درباره عمل بزهکارانه است که اقدامات تأمینی و تربیتی از ابزار مهم سیاست جنایی محسوب می‌شود.

از اقدامات تأمینی و تربیتی تعریف‌های متعددی از سوی حقوقدانان و کارشناسان ارائه شده است که به برخی از مهم‌ترین و کامل‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. «اقدامات تأمینی یک سلسله تدابیر پیشگیرانه ناشی از واکنش جامعه برای جلوگیری از تکرار جرم از سوی مجرمان خطرناک که بنا به حکم قانون از جانب دادگاه رسیدگی کننده اتخاذ و درباره آن‌ها اعمال می‌گردد (پرادل، ۱۴۰۲، ۵۳). «اقدام تأمینی یک رشته وسایل دفاع اجتماعی است که به حکم قانون و توسط قاضی بر اثر وقوع جرم متناسب با وضع مزاجی، استعداد، منش و سوابق فرد خاطی و خطرناک به کار برده می‌شود تا او بهبود یابد و با اجتماع سازگار شود و دست به تکرار جرم نزند (نوربها، ۱۴۰۳، ۱۲۵).

بنابراین، می‌توان اظهار داشت اقدامات تأمینی تدبیرهای فردی و یا وضعی الزامی بدون رنگ اخلاقی می‌باشند که در مورد افراد خطرناکی که نظم جامعه را با حالات و رفتار خود تهدید می‌کنند و یا نسبت به یک وضع خطرناک به موجب حکم دادگاه اتخاذ می‌شوند اطلاق می‌شود. حال، با امعان نظر به تعریف این اقدامات به بیان خصایص و ویژگی‌های اقدامات تأمینی می‌پردازیم تا با دانستن این اوصاف توانایی تفکیک این اقدامات از مجازات‌ها را داشته باشیم.

## ۱-۲- بازپروری

در ادبیات جرم‌شناسی و کیفرشناختی، اصطلاح بازپروری ناظر به آماده‌سازی بزهکاران جهت حضور مجدد در جامعه به‌عنوان شهروندانی قانونمند و مولد است (غلامی، ۱۴۰۱، ۱۹۰). بازپروری اطفال و نوجوانان در اصطلاح به معنای بهسازی شخصیتی، روانی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی طفل و نوجوان معارض با قانون با لحاظ حساسیت‌های دوره سنی، جهت بازگشت به جامعه و زندگی عادی و پیش‌جنایی می‌باشد به گونه‌ای که به وی اجازه می‌دهد به‌طور فعال در جامعه وارد شود، مهارت‌های مفید و مقبول اجتماعی را فراگیرد و در عمل از این توانایی‌ها استفاده نماید. برخی دیگر بازپروری را این گونه تعریف کرده‌اند: «یک برنامه مداوای روانی-اخلاقی با رعایت شرایط لازم برای تأمین امنیت جامعه به منظور سازش‌پذیری اجتماعی بزهکار» (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۴۰۳، ۱۶۳).

به این ترتیب، هدف اصلی از بازپروری بزهکاران، پیشگیری از تکرار جرم آن‌ها و یا کاهش نرخ آن است. راهبرد بازپروری بر تغییر رفتار بزهکاران جهت عدم استمرار اعمال مجرمانه آن‌ها تکیه می‌کند. در این راستا، هدف آن است که با «تشخیص» تفاوت‌های بزهکاران، مناسب‌ترین و مؤثرترین شیوه برای تغییر رفتار غیرقانونی بزهکاران اتخاذ گردد. این تشخیص با استفاده از تئوری‌های روانشناسی و دانش‌هایی که می‌توانند در تغییر و اصلاح رفتارهای غیرقانونی و مجرمانه آنان مورد استفاده قرار گیرند، صورت می‌پذیرد.

بازپروری، از طرق گوناگون سلامت روانی، خدمات پزشکی، حقوقی یا اجتماعی می‌تواند به طرز خاصی به‌عنوان شکلی از ترمیم مناسب باشد، درحالی‌که به‌طور هم‌زمان ارائه خدمات می‌کند. اشکال درمانی نیز می‌تواند به طرز مناسبی درمان یک کودک یا نوجوان را تسهیل کند و به بازسازی زندگی سالم آن‌ها کمک کند. علاوه بر این، در درجه دوم، برنامه‌های اصلاحی و تربیتی که برای بازپروری بزهکاران تنظیم می‌گردد، ضرورتاً باید به وسیله کارکنان کارآموزده و ماهر، به همان ترتیبی که برنامه‌ریزی شده‌اند، به مورد اجرا درآیند. اجرای برنامه‌های مذکور به وسیله پرسنل فاقد مهارت و کاردانی نمی‌تواند کاهش تکرار جرم را در پی داشته باشد.

در اجرای برنامه‌های اصلاح و تربیت اصل سومی نیز باید رعایت شود و آن این است که برنامه‌های کسانانی را باید مورد هدف قرار دهند که در معرض تکرار جرم هستند، زیرا کاهش تکرار جرم قابل اندازه‌گیری و ارزیابی است. بسیاری از بزهکاران از درجه تکرار جرم اندکی برخوردارند و تأثیر برنامه‌های اصلاح و تربیت بر کاهش تکرار جرم آن‌ها به سختی قابل ارزیابی است.

### ۱-۱-۲- بازپروری در محیط خانواده

خانواده اطفال بزهکار همیشه محیط مطلوبی برای بازپروری و بستری مناسب جهت بازگشت آنان به جامعه نیست. بزه کار بودن پدر، مادر یا سایر اعضای خانواده، گرایش آنان به اعتیاد مواد مخدر و غیره و پرخاشگری‌های خانوادگی از جمله مؤلفه‌های نامطلوب بودن محیط خانواده برای اصلاح و درمان اطفال بزهکار به شمار می‌روند. کودکانی که در خانه‌هایی با نبود محبت و حمایت رشد می‌کنند، والدین آن‌ها مهارت رفتار مدیرانه ندارند و زندگی شان با اختلاف و بدرفتاری است که احتمال بزهکاری شان بیشتر است، درحالی که یک خانواده حامی حتی می‌تواند در محیط بسیار خصمانه و آسیب‌زننده از فرزندان نگهداری کند. حفظ و نظارت از سوی والدین جنبه مدیریت خانواده است که همواره به بزهکاری وابسته است.

در جهان امروز تفوق اندیشه اصلاح و تربیت بر فکر مجازات و سرکوبی در مورد کودکان و نوجوانان، در تمام مقررات مربوط به اطفال و نوجوانان بزهکار به وضوح خودنمایی می‌کند. در همین راستا، جوامع در جست‌وجوی راهکارهایی هستند که به جای ارباب و تنبیه، به طرق مقتضی به اطفال مساعدت نمایند. مقررات جزایی عمدتاً حول محور بازپروری تدوین می‌گردد تا با رفع نیازها، حس محرومیت از طفل را دور و با تدابیر مقتضی از او حمایت کنند. چنین اقداماتی نه بر اساس اهمیت جرم بلکه به تناسب شخصیت آن‌ها اتخاذ می‌گردد. در واقع، کودکان با لحاظ شرایط فردی و شخصیتی مورد بررسی قرار می‌گیرند (غلامی، ۱۳۹۰، ۵۸). توجه به نیازهای خانواده و تأمین مناسب آن نیازها، افزایش آگاهی و ظرفیت والدین و مهارت‌های آنان جهت پاسخ به نیازهای فرزندان، ارتقای وضعیت

اقتصادی و بهداشتی خانواده، از جمله اقدامات لازم در این خصوص است محیط خانواده نقش مؤثری در شکل‌گیری نظام رفتاری و شخصیتی کودکان و نوجوانان محروم از آزادی ایفاء می‌کند.

در شماری از اسناد بین‌المللی مانند میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه معرفی شده است. در اسناد بین‌المللی ویژه کودکان و نوجوانان، مانند پیمان نامه حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ میلادی، سپردن این دسته از بزهکاران به خانواده پیش‌بینی شده تا با مراقبت‌ها و حمایت‌های این نهاد، اطفال بزهکار به سمت جامعه‌پذیری و هم‌نوا شدن با هنجارها و قواعد اجتماعی رهنمون شوند. بازپروری کودکان بزه دیده نیز در ماده ۳۹ کنوانسیون حقوق کودک مورد تأکید قرار گرفته است. مطابق بند چهارم ماده ۵۶ قانون نمونه حفاظت کودکان مصوب ۲۰۱۳ میلادی که درباره ارتباط کودکان و نوجوانان با والدین در مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت است «کودکان باید بتوانند تماس خود با والدین، اعضای خانواده و سایر نزدیکان خود را از طریق ملاقات مرتب و مکاتبه حفظ نمایند».

## ۲-۱-۲- بازپروری در کانون اصلاح و تربیت

معنا و مفهوم اصلی اصلاح، بهبود وضعیت فرد است. برای نیل به این هدف، مدارس تربیتی و کانون‌های اصلاح و تربیت ایجاد شده و یکی از اهداف ضمنی آن نیز اصلاح بزهکاران است. قانون‌گذار در تعریف کانون اصلاح و تربیت چنین اظهار داشته است: «کانون اصلاح و تربیت مرکزی است جهت نگهداری، اصلاح، تربیت و تهذیب اطفال غیربالغ بزهکار یا بزهکارانی که کمتر از هجده سال تمام سن داشته باشند».

اندیشه بازپروری و اصلاح مجرمان و عدم اتخاذ سیاست کیفری سرکوبگر صرف و توجه به شخصیت بزهکار و متناسب بودن مجازات با شخصیت بزهکار برای نخستین بار توسط بنیانگذاران مکتب تحقیقی بیان گشت و به مرور زمان و با توجه به گرایش بیشتر دولت‌ها به سیاست‌های بازپرورانه نسبت به سیاست‌های کیفری صرف و تحت تأثیر مطالعات و یافته‌های جرم‌شناسانه، برنامه‌های متنوع تربیت مدار، حرفه‌آموزی،

روانشناختی و غیره از سوی سیاست‌گذاران جنایی تدوین گشته و نهادهای اصلاحی مربوطه در این زمینه به وجود آمده تا به شکل چندجانبه و همه‌جانبه در زمینه بازپروری عمل گردد.

کانون اصلاح و تربیت یکی از تأسیسات اصلاحی و بازپرورانه نسبت به اطفال و نوجوانان بزهکار در حقوق کیفری ایران می‌باشد. سیاست‌گذاران کیفری ایران نیز از یک سو به دنبال تحولات جرم‌شناختی و از سوی دیگر با توجه به آن که اطفال و نوجوانان عموماً از ظرفیت جنایی ضعیف، قابلیت انطباق و آموزش‌پذیری بالایی برخوردار می‌باشند، در برخی از قوانین نسبت به مسئله بازپروری اطفال و نوجوانان از طریق کانون اصلاح و تربیت تأکید نموده‌اند. در این راستا، می‌توان به بند ۸ ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده‌های ۲۸۷، ۵۲۵ و ۵۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اشاره نمود که مقنن به کانون اصلاح و تربیت به‌عنوان نهادی بازپرورانه نسبت به اطفال و نوجوانان بزهکار توجه نموده است. همچنین، مقنن در راستای تأکید بر نقش بازپرورانه کانون اصلاح و تربیت در ماده ۱۳۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ به بهینه‌سازی فضاهای فیزیکی با اولویت توسعه کانون‌های اصلاح و تربیت اشاره داشته است. آیین‌نامه سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۴۰۰ نیز به درستی با اتخاذ رویکردهای ترمیمی، مقرر کرده است که اصل رعایت مصالح، منافع عالی، اصل بقاء و رشد افراد کمتر از هجده سال شمسی در تمام تصمیمات و اقدام‌های مربوط به آن‌ها در سازمان و کانون، الزامی است.

سلب آزادی اطفال و نوجوانان بزهکار در محیط حقوق کیفری از سنتی‌ترین پاسخ‌های این سامانه است. بر این اساس، نظام حقوق کیفری برای عده‌ای خاص و بزهکاران، آزادی را سلب می‌کند چرا که این سلب آزادی از مهم‌ترین پاسخ‌های سزاگرایانه در حقوق کیفری به حساب می‌آید. در عرصه حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، اصل بر عدم استفاده از حبس در کانون می‌باشد. با این وجود قانون‌گذار ایران برای پاسخدهی به دسته‌ای از اطفال و نوجوانان مرتکب جرم این شیوه را به وجود آورده است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در تبصره اول و تبصره دوم ماده ۸۸ به این مطلب

پرداخته است. همچنان که مطابق تبصره دوم همین ماده اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرم‌های حدی و یا قصاص می‌باشند، می‌توانند مشمول تدابیر سالب آزادی قرار گیرند.

کانون اصلاح و تربیت باید نسبت به اجرای برنامه‌های ورزشی، تربیتی، اخلاقی، آموزشی، علمی و تعلیم حرفه به اطفال و وضع غذا، بهداشت و خواب آنان مراقبت به عمل آورد. همچنین انتظار می‌رود در زمینه درمان بیماری‌های جسمی و اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان بزهکار اقدام‌های لازم به عمل آید تا از این رهگذر زمینه‌های بهبود شرایط جسمی، روحی و روانی آنان فراهم شود. در صورتی که این کودکان و نوجوانان بزهکار مستقر در کانون از تحصیل محروم مانده امکان دسترسی به مدرسه را نداشته، برنامه‌های آموزشی و پرورشی در چهارچوب نظام آموزش و پرورش به اجرا در می‌آید. همچنین پس از پایان مدت اقامت فرد در کانون اصلاح و تربیت و آزادی وی، فعالیت‌های مقدماتی و ابتدایی با عنوان مراقبت پس از خروج مطرح می‌گردد که شامل پیگیری و نظارت مستقیم امور مددجویان و اسکان مددجویانی است که سرپناه ندارند. در این مرحله پس از آزادی فرد در صورتی که فرد به خانواده خود بازگردد با هماهنگی‌های به عمل آمده مددکار به صورت مستقیم با مددجو و خانواده وی در ارتباط خواهد بود و انجام خدمات مشاوره‌ای و همچنین کارهایی و به کارگیری مددجو را انجام خواهد داد و در صورت وجود مشکلات حاد در خانواده، اقدامات لازم را جهت کاهش عوارض ناشی از مشکلات خانوادگی بر فرد به عمل خواهد آورد.

تلاش برای اصلاح افراد در کانون‌های اصلاح و تربیت معمولاً یا به تنهایی از طریق تعلیمات مذهبی و اخلاقی و یا به وسیله یک رژیم اصلاحی شامل تمرین، کار، بهداشت، نظم و انضباط، تعلیم و تربیت و آموزش‌های اخلاقی صورت گرفته است (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۴۰۳، ۲۴۴). این روش تربیتی بر محور محرومیت کودکان و نوجوانان از آزادی و نگهداری در مراکز اصلاح و تربیت استقرار می‌یابد. این رویه ریشه در تاریخ حقوق جزا داشته و بعدها نیز با وصف دگرگونی در رژیم کیفری اطفال در شکل جدیدی حفظ گردید. در اوایل جنبش حمایت از اطفال در دو قرن اخیر میلادی، اماکن ویژه در زندان‌های عمومی برای کودکان و نوجوانان در نظر گرفته شد. بعدها در اوایل

قرن بیستم میلادی مؤسساتی مانند کانون اصلاح و تربیت با هدف اصلاح و بازپروری آنان به وجود آمد. هدف از نظام دادرسی نوجوانان بازپروری است. داشتن روحیه همیاری، دادن اطلاعات صحیح، انجام برنامه‌های تربیتی و تغییر نگرش نسبت به کانون اصلاح و تربیت، افزایش روحیه و اعتماد به نفس و تغییر دیدگاه خود نسبت به خود و محیط خانوادگی از جمله مواردی است که می‌تواند در کار برنامه‌های کانون باعث تغییر فردی کودک و نوجوان شود (نجفی توانا، ۱۳۹۸، ۲۳۵).

اجرای برنامه اصلاحی و تربیتی زمانی مفید فایده است که اطفال و نوجوانان به فضای ایجاد شده در مؤسسات نگهداری اعتماد کنند. کانون اصلاح و تربیت باید با ایجاد قسمت ویژه اطفال و نوجوانان، اول به شناسایی خانواده آن‌ها پردازد و اگر از نظر شرایط خانوادگی نامناسب تشخیص داده شدند، باید با روش‌های مختلف محیط خانوادگی را سالم نماید و در صورت عدم اصلاح اطفال و نوجوانان، به ارگان‌های مربوطه تحویل دهند. ولی اگر خانواده از نظر اصول اجتماعی مورد تأیید قرار گرفتند باید با کانون اصلاح و تربیت، گامی رو به جلو در بازپروری اطفال و نوجوانان پردازند (موزن زادگان و غلامی، ۱۳۹۷، ۷۶).

در مراکز اصلاح و تربیت، روش‌های اصلاحی و تربیتی مختلف اعمال می‌گردد. بدیهی است برنامه‌های پرورش و بازپروری حسب درجه انطباق‌پذیری اطفال و حالت روحی و سوابق بزهکاری آن‌ها متفاوت است. طبق ماده ۲۳ مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از کودکان و نوجوانان محروم از آزادی، طرح مراکز نگهداری نوجوانان و محیط فیزیکی باید با هدف بازپروری و با رعایت نیاز نوجوانان منطبق باشد. در همین راستا ماده ۲۵ کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد: «کشورهای عضو، حق کودکی را که توسط مقامات واجد صلاحیت جهت نگهداری، حمایت، بازپروری یا بازیابی جسمی یا روحی به خانواده یا مؤسسه‌ای سپرده شده است برای انجام بررسی دوره‌ای درمان ارائه شده برای کودک و کلیه شرایط دیگر مربوط به نگهداری از او به رسمیت می‌شناسند».

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به این مقوله به‌طور مفصل تری پرداخته شده و سعی شده تا نواقص و خلاهای موجود در قوانین گذشته تا حدودی برطرف گردد. قانون‌گذار فقط در مورد

جرایم تعزیری درجه یک تا پنج نوجوانان پانزده تا هجده سال، مجازات قانون اصلاح و تربیت را در نظر گرفته است. البته در تبصره دوم ماده ۸۸ قانون فوق، قضات می‌توانند با توجه به وضع این دسته از بزهکاران و جرم ارتكابی مجازات حبس را تعدیل کنند. با این همه، در پرتو حقوق کیفری ایران واکنش سزاگرایانه و سلب‌کننده آزادی اطفال و نوجوانان مذکور همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پاسخ‌ها تعبیر شده است.

## ۲- روش پژوهش

هر پژوهشی از روش‌های گوناگون، برای گردآوری اطلاعات و آنالیز آن‌ها استفاده می‌کند که این پژوهش نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. به‌طور کلی، روش‌هایی که در این پژوهش می‌توانند کاربرد داشته باشند، دارای ابعاد متنوعی هستند که در سه بخش به شرح ذیل مطرح می‌گردند:

اول- با در نظر گرفتن «معیار زمان»، پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های مقطعی می‌باشد؛ زیرا این پژوهش در برهه زمانی ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۲ انجام گرفته و مسئله مورد نظر را در یک برهه از زمان مورد واکاوی قرار داده است. دوم- با در نظر گرفتن «معیار کاربرد»، پژوهش مورد نظر از نوع پژوهش‌های کاربردی می‌باشد. در این پژوهش رابطه منطقی بین میزان اثرگذاری اقدامات تأمینی و تربیتی در بازاجتماعی شدن بزهکاران نوجوان در تهران مورد مطالعه قرار گرفته است. بر همین مبنا پژوهشگر در اندیشه کاربرد نتایج و دستاوردها نیز می‌باشد. در واقع پژوهش فعلی قادر است در وسعت و حیطه خود اثرگذاری اقدامات تأمینی و تربیتی در بازاجتماعی شدن بزهکاران نوجوان در تهران را بررسی کرده و حتی المقدور ابعاد گوناگون آن را بررسی نماید. سوم- با در نظر گرفتن «شیوه گردآوری داده‌ها»، پژوهش کنونی از جهتی اسنادی و از جهت دیگر میدانی محسوب می‌شود. بدین منظور برای جمع‌آوری داده‌های مقتضی مربوط به چهارچوب نظری، تعاریف و مفاهیم و ادبیات موضوع از کتابخانه، اسناد، نوشته‌ها، مجلات و... استفاده شده است؛ و از طرفی روش تحقیقی که در این پژوهش

از آن استفاده شده است، میدانی از نوع پیمایشی است. در این پژوهش برای سنجش موضوع پژوهش از ابزار پرسشنامه استفاده شده است؛ بنابراین روش تحقیق در این پژوهش روش تحقیق پیمایشی می‌باشد.

جامعه آماری پژوهش پیش رو، شامل نوجوانان بزهکار طی سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۲ در مجتمع قضایی شهید فهمیده می‌باشد. با توجه به محدودیت جامعه آماری در پژوهش حاضر، تلاش شده تا پرسشنامه پژوهش در اختیار نوجوانان بزهکار در بین سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۲ در مجتمع قضایی شهید فهمیده قرار گیرد. از این رو، کلیه واحدهای جامعه به‌عنوان واحدهای نمونه از شانس برابر برای جمع‌آوری داده‌ها برخوردار هستند. با این حال، در این مسیر پژوهشگر با دشواری‌هایی همراه بوده است. جست‌وجو و یافتن نوجوانان بزهکار و همچنین تمایل آن‌ها به همکاری و تکمیل پرسشنامه از جمله مشکلات در این زمینه بوده است. در نهایت پس از تلاش و کوشش فراوان به منظور مصاحبه با تعداد هر چه بیشتر نوجوانان بزهکار در بین سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۲ در مجتمع قضایی شهید فهمیده، پژوهشگر موفق شده است تعداد یکصد و پنجاه و هشت پرسشنامه تکمیل و آن‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

در این پژوهش ابزار مورد استفاده پژوهشگر، پرسشنامه است که سؤال‌ها با طیف سنجشی اسمی، ترتیبی، فاصله‌ای و یک سؤال باز، پنج‌گویه با طیف لیکرت<sup>۴</sup> و مقیاس ترتیبی مورد استفاده قرار گرفته است. پرسشنامه استاندارد بزهکاری نوجوانان در سال ۱۳۹۳ ساخته شده است. این پرسشنامه نوزده سؤال دارد و هدف آن ارزیابی عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان<sup>۵</sup> می‌باشد. در این پرسشنامه پنج مؤلفه مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است. در ادامه در جدول شماره یک ارتباط بین سؤالات پرسشنامه و متغیرهای پژوهش بیان شده است:

۴- کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم

۵- فقر اقتصادی خانواده، دوستان ناباب، پابندی خانواده به مذهب، نحوه گذران اوقات فراغت و شرایط اجتماعی خانواده

### جدول شماره ۱. ارتباط بین سؤالات پرسشنامه و فرضیه‌های پژوهش

ردیف	متغیر	بخش	سؤالات مرتبط
۱	ویژگی‌های فردی و محیطی	الف	۵-۱
۲	سیاست جنایی	ب	۹-۱
۳	اقدامات تأمینی و تربیتی	پ	۶-۱
۴	بازاجتماعی شدن	ت	۵-۱

#### ۲-۱- روایی

در پژوهش حاضر به منظور بررسی روایی ابزار اندازه‌گیری، از روش روایی صوری استفاده شده است. برای محاسبه روایی صوری، به جای توجه به آزمون به ویژگی‌های ظاهری آزمون توجه می‌شود و هنگامی برقرار می‌شود که فردی آزمون را بررسی کند و نتیجه بگیرد که آیین آزمون صفت مورد نظر را اندازه‌گیری می‌کند. این فرد ممکن است یک آزمودنی یا یک متخصص باشد. اگرچه این نوع از روایی ضامن اندازه‌گیری دقیق نیست، ولی با انگیزش آزمودنی به پاسخگویی بر روایی نمرات حاصل از آزمون تأثیر دارد. برای بررسی روایی صوری آزمون از نمرات تأثیر آیتم استفاده می‌شود.

برای بررسی روایی صوری از نظرات گروه نمونه هدف یا شرکت کنندگان پژوهش استفاده می‌شود و این قسمت از روایی آزمون نیازی به نظرات کارشناسان متخصص ندارد. برای بررسی نمرات تأثیر ابتدا از شرکت کنندگان خواسته شده تا میزان اهمیت هر یک از گویه‌های پرسشنامه را در یک طیف لیکرتی پنج قسمتی از یک<sup>۶</sup> تا پنج<sup>۷</sup> مشخص نمایند. کاملاً مهم است<sup>۸</sup>، مهم است<sup>۹</sup>، به‌طور

۶- اصلاً مهم نیست

۷- کاملاً مهم است

۸- امتیاز پنج

۹- امتیاز چهار

متوسطی مهم است<sup>۱۰</sup>، اندکی مهم است<sup>۱۱</sup> و اصلاً مهم نیست<sup>۱۲</sup>. سپس نمرات تأثیر از طریق ایمفرمول محاسبه شده است: اهمیت×فراوانی (به درصد) = نمره تأثیر

برای پذیرش روایی صوری هر گویه، نمره تأثیر آن نبایستی کمتر از یک و نیم باشد و فقط سؤالاتی از لحاظ روایی صوری قابل قبول هستند که نمره آن‌ها بالاتر از یک و نیم باشد. در این پژوهش، پژوهشگر به منظور بررسی روایی پرسشنامه، این که آیا سؤالات مطرح شده اهداف مورد نظر را پوشش می‌دهد؟ و مانعی از نگارش و ابهامات در جملات ندارد؟ از روایی صوری استفاده کرده است. بر اساس نتایج به دست آمده نمره تأثیر برای کلیه گویه‌های پژوهش از نمره تأثیر بالای چهار برخوردار بوده‌اند که بیانگر روایی قابل قبول سؤالات پرسشنامه در اندازه‌گیری سازه‌ها است.

## ۲-۲- پایایی

از آن جا که پرسشنامه این پژوهش بر اساس رتبه بندی مقیاس لیکرت طراحی شده، برای بررسی اعتبار و همسانی درونی آن از یک نمونه مقدماتی با حجم سی نفر از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که دامنه آن بین صفر تا یک می‌باشد. بر این مبنا، به پایداری درونی گویه‌ها پی برده می‌شود. در اغلب منابع در رابطه با مقدار مطلوب برای ضریب آلفا استناد شده است. بر اساس استدلال وی، برای پایا قلمداد کردن یک ابزار، حداقل مقدار ۰.۷. برای ضریب آلفا لازم است.

ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای متغیرهای پژوهشگر در جدول شماره دو ارائه شده است که بیانگر آن است که پرسشنامه از اعتبار مطلوب برخوردار است. بدین معنی که پاسخ‌های داده شده ناشی از شانس و تصادف نبوده، بلکه به دلیل اثر متغیری می‌باشد که مورد آزمون قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل فرایند چند مرحله‌ای است که طی آن داده‌هایی که از طریق به کارگیری ابزارهای جمع‌آوری در نمونه<sup>۱۳</sup> آماری فراهم آمده‌اند، خلاصه، کدبندی، دسته‌بندی و در نهایت پردازش

۱۰- امتیاز سه

۱۱- امتیاز دو

۱۲- امتیاز یک

۱۳- جامعه

می‌شود تا زمینه برقراری انواع تحلیل‌ها و ارتباط‌ها بین این داده‌ها برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پردازش فراهم آید (خاکی، ۱۳۷۹: ۳۰۵). جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از دو روش تجزیه و تحلیل توصیفی و استنباطی بهره‌گیری می‌شود. در ضمن برای پردازش داده‌ها نیز از نرم افزارهای آماری استفاده شده است.

### جدول شماره ۲. مقادیر آلفای کرونباخ به ازای متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	فراوانی	آلفای کرونباخ
۱	ویژگی‌های فردی و محیطی	۳۰	۸۱.۰
۲	سیاست جنایی	۳۰	۷۷.۰
۳	اقدامات تأمینی و تربیتی	۳۰	۸۲.۰
۴	بازاجتماعی شدن	۳۰	۸۸.۰

### ۳- یافته‌ها

با توجه به این که جامعه آماری مدنظر، نوجوانان بزهکار مجتمع قضایی شهید فهمیده طی سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۲ مدنظر است، فلذا از خیل عظیم پرونده‌های مورد نظر، بخشی از جرائم را می‌توان با توجه به پرتکرار بودن آن‌ها بر اساس ارتکاب نوجوانان، مورد ارزیابی قرار داد. به‌عنوان نمونه از مبتلا به‌ترین جرائم ارتکابی وابسته به جنس، می‌توان به جرم رانندگی بدون گواهینامه رانندگی اشاره نمود و همان‌طور که به ذهن‌خطور می‌نماید این جرم از جمله جرائمی است که توسط نوجوانان پسر بازه سنی بین پانزده الی هجده سال به فراوانی قابل مشاهده است که از بین پرونده‌هایی که به مجتمع قضایی شهید فهمیده ارجاع می‌گردد، تعداد معدودی منجر به تصادف و یا ندرتاً منجر به فوت می‌گردد. در مقابل این رفتار معارض با قانون که ماحصل هیجانات نوجوان و در پی کسب تجربه واقع می‌گردد با رویکردهای متفاوتی از سوی قانون‌گذار و در مقام تصمیم‌گیری مقام قضایی مواجه هستیم که با توجه به تعامل و بررسی ویژه و هم‌کلامی مؤثر با نوجوان معارض با قانون، تصمیماتی از باب

تنبيه و ارباب از يك سو و اقدامات تأمينی تربیتی همچون اخطار و اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار و تأديه خسارت وارده به اشخاص اتخاذ می‌گردد. همچنین، در راستای مواجهه با رفتار معارض با قانون وسیله مورد نظر توقیف می‌گردد تا به لحاظ آشنایی نوجوان با عواقب عملکرد و تاوان مالی روبرو شود و از دیگر سو جریمه نقدی در راستای مجازات تعارض با قانون. ولی نکته مهم در مورد بزهکاری جوانان، مسائل و ویژگی‌های سنی و هیجانات وابسته به سن رشد می‌باشد که اقدامات تأمینی باید به گونه‌ای تعیین گردد که زمینه آشنایی با خطرات احتمالی رفتار معارض و نهایتاً اتفاقات جبران‌ناپذیر برای خود نوجوان و دیگران تبیین گردد تا از ارتکاب مجدد، جلوگیری گردد. از این میان به فراخور شرایط فردی نوجوان، ثبت نام در کلاس‌های ورزشی، یادگیری مهارت جدید، نظارت و پیگیری توسط والدین و یا حتی راهنمایی و ارشاد والدین به جهت عدم در اختیار گذاردن وسایل موتوری، می‌تواند از تکرار رفتار معارض با قانون جلوگیری نماید.

در بیشتر موارد با توجه به شخصیت نوجوان، این بزه، مجدداً تکرار نمی‌شود چرا که در این بازه سنی، نوجوان به لحاظ سنی نیز حائز شرایط اخذ گواهینامه می‌گردد. فلذا، با این که این جرم از موارد شایع پرونده‌های ارجاع شده به شعب مجتمع قضایی شهید فهمیده می‌باشد و لیکن با توجه به این که این رفتار معارض قانون دارای بازه زمانی برای دارا شدن وجه قانونی، می‌باشد، از جمله جرائمی می‌باشد که به ندرت مشمول تکرار می‌گردد.

از دیگر جرائم می‌توان به ایراد ضرب و جرح اشاره داشت، این جرائم مجرمانه هم، همان‌طور که از عنوانش بر می‌آید، بیشتر تحت عناوین مجرمانه نوجوانان پسر می‌باشد هرچند که نوجوانان دختر نیز با این عنوان مجرمانه به محکمه احضار می‌شوند ولی با توجه به آمار و ارقام، چنین بر می‌آید که رفتارهای پر خاشگرانه و هیجانی که متأثر از رشد بالینی و تأثیر هورمون‌های مختص به این بازه سنی است در مورد نوجوانان پسر شایع‌تر می‌باشد که با توجه به قدرت بدنی بالاتر و جسارت بیشتر منجر به صدمات شدیدتر می‌گردد.

در مورد رفتار ارتكابی مورد نظر، فاکتورهای عدیده‌ای را می‌توان بر شمرده که از مهم‌ترین عوامل

آن، ساختار محیط و شرایط فرهنگی حاکم می‌باشد. نوجوانان بزهکار با توجه به طبقه اجتماعی که در آن حضور دارند گاه قبح بعضی رفتارها را از یاد برده‌اند و گاه حتی رفتاری که در طبقات اجتماعی دیگر قبیح و ناشایست می‌نماید در این طبقه به‌عنوان رفتاری معروف و به حق شناخته می‌شود. به‌عنوان نمونه حمل چاقو و استفاده از آن در درگیری‌های بعضی مناطق امری طبیعی است. در یکی از دادرسی‌ها، قاضی محترم خطاب به نوجوان اشاره داشت: «مگر نمی‌دانی حمل سلاح سرد جرم است، چرا اصلاً در دعوا باید چاقو همراهت باشد؟! و نوجوان با آرامش و کمی تردید به قاضی محترم که در فضای امن در حال صحبتی پدرانه بود پاسخ داد: اگر چاقو همراهم نبود که الان زنده نبودم».

با نگاهی دقیق و مسئولانه شاید به نقطه‌ای برسیم که معضل رفتارهای معارض با قانون، علی‌الخصوص نوجوانان بزهکار، به تنهایی قابل حل در محاکم نیست، چرا که این کلاف سردرگم هر رشته‌اش در اختیار ارگان‌ها، نهادها و حتی تمامی آحاد می‌باشد. هرچند که آگاه ساختن از عواقب رفتارهای پرخطر، عاملی بازدارنده می‌باشد و آموختن مهارت جدید، گذراندن دوره‌های تخصصی مشاوره روانشناسی، حتی درمان‌های دارویی در جهت اصلاح مشکلات اعصاب و روان، گاهی مؤثر در بازاجتماعی کردن نوجوان معارض قانون و ادامه زندگی می‌باشد.

آن چه مسلم است برخی عوامل آن چنان قدرتمند و اثرگذار می‌باشند که در صورت عدم توجه به آن‌ها، در اصل، اقدام مثمرثمری واقع نگشته است. تأثیر عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در راستای آشنایی با حق و حقوق قانونی نوجوان، توانایی مقابله با ناهنجاری‌های خانوادگی و اجتماعی، مهارت نه گفتن، عامل مهمی است در راستای قرار گرفتن نوجوان در جمع دوستان ارزشمند و گریز از همراهی با جمعیت‌های بزهکارساز که به قصد فرار از دست قانون اقدام به استفاده ابزاری از نوجوانان می‌نمایند. مورد ذکر شده با کمال تأسف در بعضی خانواده‌های به نظر معتبر نیز قابل مشاهده است، برادران، پدران و بستگانی که برای انتقال پول حاصل از بزهکاری از شماره حساب نوجوان استفاده می‌کنند و یا به منظور معاملات مواد مخدر و نقل و انتقال آن از نوجوانان بهره می‌برند که مورد اخیر هرچند از موارد مألوف بزه قاچاق مواد مخدر می‌باشد ولیکن در حال حاضر به جهت

تعداد بی‌شمار اتباع افغان در ایران که فاقد اوراق هویت بوده و عموماً بی‌سرپرست می‌باشند، استفاده بیشتری می‌شود که عملاً تبدیل به معضلی سخت و غیرقابل حل شده است.

از آن جا که بستر قانون‌گذاری در راستای اعمال بایدها و نبایدها بدون در نظر گرفتن امکان تعمیم برای تمام طبقات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی می‌باشد، لذا اولین گام برای اعلام اراده، مخالفت با آن می‌باشد. این عوامل از بن مایه‌های مؤثر بر رفتار نابهنجار نوجوان بوده که به نوعی ابراز مخالفت با شرایط حاکم و ساختارشکنی در راستای مقابله با شرایط جبری و نامطلوب حاکمیت، گاه تنها تلاشی است برای دیده شدن و شنیده شدن.

بر اساس نظریه اثر ممنوعه وقتی چیزی ممنوع می‌شود، افراد بیشتر تمایل پیدا می‌کنند که به سمت آن بروند. این پدیده ایی روانشناختی است که به آن اثر قاپیدن هم گفته می‌شود. روانشناسی به نام «جک برهم» در دهه ۱۹۶۰ میلادی نظریه ایی مطرح کرد و توضیح داد، وقتی افراد حس می‌کنند آزادی یا اختیارشان تحدید شده، به‌طور خودکار تمایل به بازپسگیری آن حق دارند و این مهم، پایه در دلایل روانشناختی دارد که اولین مورد آن، از دست دادن کنترل می‌باشد؛ وقتی احساس می‌کنیم نمی‌توانیم انتخاب هایمان را کنترل کنیم، به‌طور طبیعی سعی می‌کنیم تلاش کنیم مجدداً کنترل را به دست بیاوریم و این واکنش طبیعی نوع بشر است که به حفظ آزادی و استقلال کمک می‌کند. دومین عامل؛ جذابیت بیشتر موارد ممنوعه است، وقتی چیزی ممنوعه می‌شود به نظر ارزشمندتر و جذابتر می‌آید و سومین دلیل، کنجکاوی است. ممنوعیت‌ها معمولاً کنجکاوی افراد را تحریک می‌کنند و در نهایت حس ناعدالتی، اگر احساس کنیم که ممنوعیت ناعادلانه یا غیرمنطقی هست به دنبال نقض ممنوعیت ممکن است واکنش نشان بدهیم و نتیجه‌ای را باعث شود که مدنظر فرد نمی‌باشد.

رابرت مرتن فشار را به‌عنوان روابط منفی با دیگران تعریف می‌کند. رابرت مرتن این فشار را ناشی از عدم توانایی شخص در دست‌یابی به اهداف مقبول اجتماعی می‌داند. اگنیو در ۱۹۹۳ میلادی با ارائه نظریه فشار عمومی دریچه‌ای نو بر نظریه جرم شناختی گشود. این نظریه به پژوهشگران اجازه می‌دهد درباره آثار طیفی از محرک‌های تنش‌زای ساختاری و روانشناختی بر روی گستره‌های آسیب‌زا

پژوهش کنند. با تبیین این که چرا افرادی که متحمل استرس و فشار هستند به احتمال زیاد مرتکب جرم می‌شوند، توجه خود را به روابط منفی آن‌ها با سایرین که خود مولد هیجان‌های منفی، مانند خشم در شخص و در نتیجه ارتکاب جرم است، معطوف داشت.

دوره نوجوانی، دوره شناخت واقعی افراد و حدود مرزهای تعیین شده از طرف نهادهای گوناگون است. در گذار سن کودکی به نوجوانی از آزادی مطلق به یکباره هجمه‌هایی از بایدها و نبایدها در خانواده، محیط، مدرسه، اجتماع و... بر نوجوان تحمیل می‌گردد و نوجوان بیش از تمام اقشار جامعه بر این باور است که بی‌شماری از این محدودیت‌ها نه تنها به صلاح نیست که آزادی‌ها و اختیارات و انتخاب‌های وی را محدود می‌کند و به نوعی تکلیف مالايقاق است. پس با این اندیشه که من می‌خواهم پس می‌توانم، دست به تجربه‌هایی می‌زند که شاید تمامی افراد در برهه‌های زندگی تجربه کرده‌اند، ولی گاه نوجوان در این عرصه آزمون و خطا، تاوان سنگین‌تری می‌پردازد که به‌رغم تأکید موکد منع برچسب زنی، همواره این خطا همراه نوجوان چه در خانواده و چه در میان دوستان و آشنایان و چه در فضای آموزشی و از همه بدتر در زمان نیاز اشتغال به کار، بار سنگینی را بر دوش نوجوان می‌گذارد و مانعی جدی و مؤثر در ادامه زندگی معمولی و مرسوم می‌باشد که همین عامل می‌تواند نوجوان بزهکار را مجدداً به عرصه ارتکاب جرم بکشاند.

از این رو، قضات محترم محاکم کیفری اطفال مجتمع قضایی شهید فهمیده، نهایت تلاش را در صدور حکم به گونه‌ای اعمال می‌نمایند که حتی المقدور نوجوان معارض با قانون با توجه به عقوبت رفتار خود و این که رفتار ارتكابی چه آثار سویی برای خود، خانواده، جامعه و علی‌الخصوص بزه دیده ایجاد می‌کند، سعی در آگاه ساختن نوجوان معارض با قانون و تعامل با بزه دیده و درک شرایط حاصله بر وی می‌نمایند و در نهایت تصمیم مقتضی گرفته می‌شود که در راستای روحیه نوع دوستی و تلاش بر تأمین خسارات مادی و معنوی بزه دیده با رویکرد بازاجتماعی شدن نوجوانان و ارتقاء مهارت زندگی با هر عقیده و بینش است تا در این مسیر، کمترین آسیب بر نوجوان بار شود، چه آن چه ارزشمند است بازگشت نوجوان به زندگی طبیعی و

به دور از خشونت است که هدف غایی و والای قانون‌گذار می‌باشد.

در مورد نوجوانی که در بازه سنی پانزده الی هجده سال از این مرکز مرخص می‌گردند، شایان توجه است که با توجه به عدم درج عنوان در سابقه کیفری این افراد با دو رویکرد مواجه هستیم. رویکرد نخست در این بازه زمانی در صورتی که نوجوان معارض با قانون، مجدداً مرتکب بزه شود و به لحاظ سنی، امر رسیدگی در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان قرار گیرد و رویکرد دیگر این که با گذر از این بازه سنی از صلاحیت این محکمه خارج شده باشد. به نظر می‌رسد این نکته در بررسی‌های پرونده شخصیت که بنابر ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بنیانگذاری و اجرای آن الزامی گردید در مورد مؤثر بودن یا نبودن اقدامات تأمینی و تربیتی راهگشا باشد، چرا که این مرز سنی می‌تواند در اثر تکرار جرم، صلاحیت محکمه را تغییر دهد و چه بسا که تعدادی از نوجوانان بزهکاری که حکم صادره در مورد آن‌ها اجرا شده و در این بازه مجدداً پرونده‌ای در مورد آن‌ها به مجتمع قضایی شهید فهمیده بازنگشته، از جمله مواردی بوده که در محاکم بزرگسال مورد بررسی و صدور حکم قرار گرفته‌اند.

شاهد این مدعی، پرونده مطروحه در شعبه دوم دادگاه کیفری یک واقع در مجتمع قضایی شهید سلیمانی که در ساختمانی مشترک با مجتمع قضایی شهید فهمیده قرار دارند، پرونده‌ای با سه بزهکار با سن نوزده، بیست و بیست و سه ساله بودند که با عناوین مجرمانه آدم ربایی، ضرب و جرح با سلاح سرد و سرقت اتومبیل به محکمه اعزام و قاضی محترم پرونده مطروحه در اثنای رسیدگی با توجه به پرونده شخصیت به یکی از متهمین که از توابع افغان نیز بود، اشاره داشت که پیش از این هم مدتی در کانون اصلاح و تربیت به جرم سرقت، تحت اجرای حکم بوده‌ای. فلذا، ذکر این نکته که اقدامات تأمینی و تربیتی و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت تا چه میزان در جرائم متفاوت می‌تواند بر بااجتماعی شدن نوجوانان بزهکار مؤثر باشد، احتیاج به پژوهش بیشتر و پیگیری بیشتر در محاکم بزرگسال دارد و بررسی بازه زمانی بیشتری را طلب می‌کند.

## نتیجه

در پژوهش حاضر، اثرگذاری اقدامات تأمینی و تربیتی در بازاجتماعی شدن بزهکاران نوجوان در مجتمع قضایی شهید فهمیده در سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۲ مورد بررسی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با اتخاذ رویکرد کمی و مبتنی بر تکنیک پیمایش انجام شد که اهم نتایج به شرح ذیل می‌باشند: نتایج به دست آمده، بیانگر آن است که ضریب رگرسیونی بین دو متغیر سیاست‌های جنایی ایران در قبال بزهکاران نوجوان و بازاجتماعی شدن آنان برابر با ۰.۳۱ با مقدار آماره  $t=6.65$  است که در سطح نودونه درصد معنادار می‌باشد. این نتیجه نشان‌دهنده آن است که ارتباط معناداری بین دو متغیر سیاست‌های جنایی ایران در قبال بزهکاران نوجوان و بازاجتماعی شدن آنان وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه قدر سیاست‌های جنایی ایران در قبال بزهکاران نوجوان بهبود یابد، در روند بازاجتماعی شدن آنان نیز تسریع خواهد شد و بالعکس. این یافته‌ها با نتایج بدست آمده از پژوهش‌های سایبانی و نیازپور و ارشدپور و خوانین‌زاده همسو می‌باشد.

در نظام حقوقی ایران تا پیش از تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در ۱۳۹۹، جلوه‌هایی کم‌رنگ و پراکنده از اتخاذ سیاست‌های افتراقی در قبال کودکان بزه‌دیده در قوانین جزایی عام و خاص و مقررات دادرسی کیفری، قابل مشاهده بوده است؛ اما قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ با تغلیظ نگاه نظارت‌محور و توسعه ابزارهای حمایتی در قبال بزه‌دیدگان، کاربست‌های ماهوی و شکلی عدیده‌ای را در مورد بزه‌دیدگان زیر هجده سال مورد اشعار قرار داده است. از جمله نوآوری‌های این قانون، استفاده حداکثری از ظرفیت سازمان‌های دولتی در پیشگیری از کودک‌آزاری، شناسایی و حمایت قانونی از کودکان و نوجوانان در معرض خطر بزهکاری و بازتعریف آسیب‌های فراوری کودکان و نوجوانان می‌باشد.

جرم‌انگاری مستقل و تشدید کیفرگزینی نسبت به جرائم علیه افراد زیر هجده سال، جنبه بازدارنده و پیشگیرانه جرائم علیه این گروه را تقویت می‌نماید. احتمال افشای بزهکاری کودکان و نوجوانان، بسیار کم و درمان آسیب‌های وارده نیز بسیار مشکل است؛ بنابراین پیشگیری از بزه، بهترین راه برای

جلوگیری از آسیب‌های حاصله است. گام نخست در راستای حمایت از کودکان بزه‌دیده و در معرض خطر، تسهیل‌شناسایی آن‌ها جهت اعمال تدابیر پیشگیرانه و حمایتی است. اگرچه تمامی کودکان و نوجوانان، بیش از بزرگ‌سالان در معرض خطر بزهکاری قرار دارند، گروهی از آن‌ها به دلایلی نظیر شرایط زندگی، بیماری یا اعتیاد سرپرست، شرایط محیط کار یا زندگی، بیش از دیگران در خطر بزهکاری یا حتی بزهکاری هستند که به این گروه، «کودکان در معرض خطر» یا «کودکان آسیب‌پذیر» گویند.

می‌توان خطر را به صورت «مجموعه‌ای از اوضاع و احوال و شرایطی که در آن احتمال انحراف از مشی مطلوب مورد حمایت قانون<sup>۱۴</sup> در آن بسیار قوی است تعریف کرده و بیان داشت «کودک در معرض خطر، کودکی است که به دلایل متعددی، حمایت بخش‌های ابتدایی اجتماع از او دریغ شده است»؛ «کودکانی از قبیل کودکان خیابانی، کودکان در تنگنا و به‌طور کلی کودکانی که به لحاظ شرایط زندگی و همچنین به جهت آسیب‌پذیری و قرار گرفتن در موقعیتی که بیانگر یک نوع حالت خطرناک در وجود آنان است»؛ که موارد مصرحه در ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ همسو با این تعریف می‌باشد.

به همین دلیل ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک، فهرستی از فعالیت‌هایی که دولت‌ها باید انجام دهند تا از ورود آسیب‌هایی که ممکن است بر اثر شرایط محیطی یا بدسرپرستی به افراد زیر هجده سال، وارد شود جلوگیری نمایند را ذکر کرده است. قانون‌گذار ایران نیز به پیروی از این ماده کنوانسیون، در ماده‌های ۱۷ و ۳۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹؛ افرادی را که از وقوع یا احتمال وقوع جرم نسبت به افراد زیر هجده سال اطلاع دارند، موظف به گزارش به مراجع ذیربط و در صورت لزوم دخالت برای جلوگیری از آن<sup>۱۵</sup> نموده است. همچنین، مأموران بهزیستی و دادگستری را مکلف کرده تا در حدود وظایف خود دخالت نموده

۱۴- مانند رفاه، امنیت، تعالی فکری و اخلاقی

۱۵- در صورتی که برای خود آن‌ها خطری در بر نداشته باشد

و ظرف دوازده ساعت مراتب را به اطلاع دادستانی برسانند.

از دیگر نوآوری‌های قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ که موجب گسترش جهات قانونی شروع به تعقیب شده، پذیرش گزارش‌های مکتوب و شفاهی است که نویسندگان و گزارش‌دهندگان آن‌ها ناشناس هستند. در کنار این مسئله، پذیرفتن تقاضای افراد زیر هجده سال نیز نقش به‌سزایی در روند پیشگیری از تکرار بزهارکاری دارد. سیاست کیفری ایران در مقابله با جرائم، به‌ویژه جرائم توأم با عنف و اکراه، سیاستی کیفرمدار است و تشدید مجازات، به‌خصوص زمانی که بزهدیده کمتر از هجده سال داشته باشد، نشان‌دهنده نگرش افتراقی این قانون است. این نگاه نسبت به بزهارکاری کودکان در مقایسه با گذشته، قابل تحسین است..

قانون‌گذار ایرانی و نویسندگان شماری از مقررات فراتقنینی، وظیفه پیشگیری از بزهارکاری را به پاره‌ای از نهادهای رفاهی، آموزشی، انتظامی و مدیریت ستادی سپرده‌اند. در سیاست جنایی، فقط دستگاه‌های عدالت کیفری نیستند که نقش ایفاء می‌کنند، بلکه تمامی آحاد به پاسخ‌های معقول می‌اندیشند و این پاسخ‌ها می‌تواند کیفری یا غیرکیفری باشند. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ به این موضوع توجه داشته که باید مراجع دیگری غیر از نهادهای عدالت کیفری را درگیر حمایت از کودکان و نوجوانان کند. این قانون، اختیارات گسترده‌ای را برای مراجع غیرقضایی و سازمان‌های غیردولتی و دولتی که در حوزه حقوق کودکان فعال هستند در نظر گرفته است. لازمه اتخاذ یک سیاست جنایی حمایتی افتراقی در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان و پیشگیری از بزهارکاری آن‌ها، دخالت نهادهای دولتی و مردمی در این امر است.

در قانون ایران می‌توان نهادهای حمایتی را در سه قالب نهاد قضایی، نهادهای دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد جای داد. لازم به ذکر است نقش پررنگ قوه قضاییه به همراه ساختارها و تشکیلات خود، اداره بهزیستی و نیروی انتظامی<sup>۱۶</sup> که بیشترین تکالیف را در زمینه حمایت و پیشگیری بر عهده دارند، به نوعی موجب شده است تا وظیفه اصلی سایر نهادها و دستگاه‌های اشاره شده در متن قانون معطوف

به‌شناسایی و معرفی کودکان و نوجوانان بزه‌دیده به مراجع ذیصلاح شود. با توجه به این که بیشترین فعالیت‌ها برای حمایت از افراد زیر هجده سال و آسیب‌پذیر بر عهده قوه قضاییه است، ماده ۴ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، این قوه را موظف به ایجاد دفتر حمایت از کودکان و نوجوانان نموده و وظایف این دفتر را توصیف نموده است.

نگاه افتراقی این قانون به وضعیت افراد زیر هجده سال در ماده ۵، ایجاد ساختار و تشکیلاتی در حوزه‌های شهرستان<sup>۱۷</sup> را پیش‌بینی نموده است تا رسیدگی به بزه علیه افراد زیر هجده را از سایر جرائم جدا نماید. در همان ماده، وظایف این تشکیلات که شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌ها از مرحله پیشگیری تا مرحله اجرای حکم می‌باشد، تعیین شده است. سازمان‌های دولتی نیز می‌توانند با ارائه خدمات متعدد، سهم بزرگی در پیشگیری از بزهکاری را بر عهده داشته باشند. زیرا از طریق این سازمان‌ها زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان به نحو مساعدتری فراهم خواهد شد.

در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، وظایفی به هریک از این نهادها سپرده شده است. از جمله وظایف می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: شناسایی، معرفی، پذیرش، ارجاع، حمایت، نظارت، نگهداری و توانمندسازی. از طرفی عدم استفاده از سایر اجزای بالقوه جامعه دولتی و رسمی در کنار نظام عدالت کیفری، نه تنها در مبارزه کیفری با جرم بلکه در پیشگیری از آن که جزء رسالت کل جامعه در قالب همبستگی دولت و مردم است کارایی نظام کیفری را محدود نموده و در نهایت منتج به کنترل ناکارآمد بزه و بزه‌کاران می‌شود.

مشارکت جامعه مدنی در فرایند کیفری و نیز در پیشگیری از جرم، یکی از ویژگی‌های برجسته نظام‌های کیفری در پرتو اصول مدرن و مکاتب نوین حقوق کیفری در دهه‌های اخیر است. یکی از انواع مشارکت مردم در عرصه پیشگیری از جرم «سازمان‌های مردم‌نهاد» است؛ امروزه رشد و گسترش بزه‌کاری در هر دو بعد کمی و کیفی، از جمله آسیب‌های اجتماعی است که لزوم مشارکت و همکاری نهادهای رسمی و غیررسمی در زمینه پیشگیری از آن را ضرورتی انکارناپذیر کرده است. سازمان‌های

مردم‌نهاد، به‌عنوان قالب سازمان‌یافته مشارکت‌های مردمی، از جمله نهادهای غیررسمی هستند که در این زمینه وارد عرصه شده و فعالیت‌های گوناگونی داشته‌اند. این سازمان‌ها با انجام اقداماتی چون برگزاری کلاس‌های سوادآموزی، حرفه‌آموزی، آموزش مهارت‌های اجتماعی، آموزش مهارت‌های فرزندپروری و همچنین اقدامات حمایتی همچون شناسایی و نگهداری از اشخاص بی‌سرپناه، ارائه خدمات بهداشتی، حمایت از خانواده‌های بی‌بضاعت و... در تلاش هستند که با از میان بردن عوامل اجتماعی مؤثر در بزه‌کاری، از گرایش اشخاص به رفتارهای مجرمانه پیشگیری نمایند.

علاوه بر این، بر اساس یافته‌های پژوهش، ضریب رگرسیونی بین دو متغیر ویژگی‌های فردی و محیطی بزهکاران نوجوان و بازاری اجتماعی شدن آنان برابر با  $0.35$  - با مقدار آماره  $t=14.74$  است که در سطح نودونه درصد معنادار می‌باشد. این نتیجه، نشان‌دهنده آن است که ارتباط معناداری بین دو متغیر ویژگی‌های فردی و محیطی بزهکاران نوجوان و بازاری اجتماعی شدن آنان وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه قدر نوجوانان از ویژگی‌های فردی و محیطی نامطلوبتری برخوردار باشند، احتمالاً بازاری اجتماعی شدن آنان نیز کمتر است و بالعکس. این یافته‌ها با نتایج به دست آمده از پژوهش‌های پورمچی آبادی و زنده‌رضوی و رجبی و شاملو همسو می‌باشد. در تبیین این یافته، می‌توان گفت که آمارهای منتشر شده حاکی از آن است که با وجود بهبود وضع زندگی از نظر معیشتی در جهان، میزان جرائم ارتكابی جوانان با سرعت بیشتری رو به افزایش است و در هر جامعه‌ای نیز نوع آن با جامعه دیگر فرق دارد.

مسئله بزهکاری نوجوانان برای یافتن علل و دستیابی به راه‌های پیشگیری مهم است. از جمله علل و عوامل مؤثر در بزهکاری نوجوانان، عامل اقتصادی هست، نوجوانانی که گرفتار بزهکاری می‌شوند، در اغلب موارد فرصت‌های جبران‌ناپذیری را از حیث تحصیل و کار از دست می‌دهند. همچنین، این مسئله از لحاظ هزینه، وقت و نیرویی که دولت‌ها صرف حل آن می‌کنند نیز اهمیت زیادی دارد. اداره کانون‌های اصلاح و تربیت، کانون‌های کارآموزی، نیروی انتظامی، دادگاه‌های مخصوص کودکان و نوجوانان و هزینه‌های مربوط به آن‌ها باری بر دوش بودجه هر کشوری است. اما اگر راه‌های پیشگیری از این معضل شناخته شده را انجام دهیم سبب کاهش نوجوانان بزهکار می‌شود و می‌توان

قسمت اعظم بودجه‌ای که برای رسیدگی بزهکار نوجوان است به صرف آموزش و پرورش و تربیت علمی و عملی کرد.

از جمله عواملی که می‌تواند از بزهکاری نوجوانان جلوگیری و آن را کاهش دهد رسیدگی به دغدغه مردم در امور اقتصادی است که دولت باید در جهت مهار تورم و رکود و رفع مشکلات اقتصادی و بهبود وضع معیشتی اعضای جامعه، به ویژه اقشار محروم و آسیب پذیر جامعه، تلاش کند و همچنین درصدد اشتغال آنان بر آید، نه این که با اقداماتی کوتاه‌مدت فقط به تسکین فقر در جامعه بسنده کند. اهتمام جدی دولت به منظور حمایت و تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های آسیب پذیر و تدوین قوانین لازم در جهت حفظ نظام خانواده و جلوگیری از نابسامانی و از هم گسیختگی آن باشد و سعی و تلاش مسئولان و دست اندرکاران نهادهای آموزشی، فرهنگی و رسانه‌های جمعی، جهت ارائه خدمات آموزشی مناسب، فرهنگ‌سازی و آگاهی دادن به والدین و نوجوانان باشد. جامعه پذیری اولیه که در خانواده و در سال‌های ابتدایی زندگی اتفاق می‌افتد، سهم به‌سزایی در آینده هر فرد ایفاء می‌کند. افرادی که فرآیند جامعه پذیری مناسبی را طی کرده‌اند، در نوجوانی به سادگی تسلیم بزهکاری نمی‌شوند. اگر نوجوان از کودکی ارزش‌ها و باید و نبایدها را به‌خوبی درک کند، می‌تواند یکی از راه‌های پیشگیری از بزهکار شدن فرد باشد. نوجوان به جای خوشی‌ها و لذت‌های زودگذر به خوشی‌ها و لذت‌های منطقی جلب می‌شود.

نتایج پژوهش، نشان‌دهنده آن است که ضریب رگرسیونی بین دو متغیر بین کیفیت اقدامات تأمینی و تربیتی و بازاجتماعی شدن نوجوانان برابر با  $0.28$  با مقدار آماره  $t=2.94$  است که در سطح نودونه درصد معنادار می‌باشد. این نتیجه نشان‌دهنده آن است که ارتباط معناداری بین دو متغیر کیفیت اقدامات تأمینی و تربیتی و بازاجتماعی شدن نوجوانان وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه قدر کیفیت اقدامات تأمینی و تربیتی بهبود یابد، در روند بازاجتماعی شدن آنان نیز تسریع خواهد شد و بالعکس. این یافته‌ها با نتایج به دست آمده از پژوهش‌های قزل ایاق، شاملو و همکاران، علیپور پناوندانی، صالحی و همکاران و ارشدپور و خوانین‌زاده همسو می‌باشد. در تفسیر یافته مذکور می‌توان گفت که

حساسیت بالای مقنن در فرایند بازاجتماعی کردن بزهکاری اطفال و نوجوانان سبب گردیده که این افراد به دلیل تشخیص حالات خطرناک به موجب تدابیر تأمینی و تربیتی در مکان مجزایی نگهداری و مورد آموزش قرار گیرند. قطعاً لازم است که شیوه برخورد در این مکان توأم با ظرافت‌های زیاد اجرایی و مبتنی بر اصول علمی باشد؛ به گونه‌ای که ضریب خطا به حداقل ممکن برسد، زیرا اگر کانون اصلاح و تربیت نتواند نقش بازپرورانه خود را به درستی ایفاء کند، طفل با درجات حالت خطرناک بیشتری از این مکان خارج و شخصیت معارض قانون در نهاد وی مستقر و امکان ارتکاب جرائم آتی بیشتر خواهد شد.

### پیشنهاد

در این پژوهش تلاش گردیده با بهره‌گیری از یافته‌های علمی و کاربردی نسبت به اساسی‌ترین مؤلفه‌های پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان بررسی‌های لازم صورت پذیرد. لذا با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر وقوع بزه، تمامی مؤلفه‌های شخصی زیر هجده سال، نقش والدین در اصلاح و تربیت و عملکرد مشاوران و مددکاران اجتماعی در تحقق اهداف ترمیمی و بازاجتماعی کردن این قشر حساس، تصمیمات مناسب اخذ گردد. از این رو، مراتب ذیل به‌عنوان پیشنهادات کاربردی ایفاء می‌گردد:

اول- تدوین نظام جامع‌شناسی و ارزیابی تمامی مؤلفه‌های دخیل در بزه‌دیدگی و بزهکاری اشخاص زیر هجده سال نزد واحدهای مرتبط در راستای انجام تکالیف قانونی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹.

دوم- استقرار اثربخش کارشناسان متخصص در حوزه روانشناسی، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی در نهادهای ترمیمی و حمایتی از جمله قوه قضاییه، نیروی انتظامی، سازمان بهزیستی، آموزش و پرورش و...  
سوم- تعامل و همکاری‌های بین بخشی و فرابخشی نزد دستگاه‌های موضوع ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹. چهارم- تشکیل و راه‌اندازی دفاتر حمایت از اطفال و نوجوانان

قوه قضاییه به منظور ایجاد زمینه‌های همکاری با سایر نهادهای دولتی و غیردولتی موضوع ماده ۴ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹.

پنجم- بهره‌گیری از معیارهای عینی و منطقی در جهت‌شناسایی عوامل بزهکاری با هدف ارائه راهکارهای پیشگیرانه در فرایند دادرسی اطفال و نوجوانان.

ششم- توسعه بهینه عملکرد قوه قضاییه در راستای ارتقاء سطح آموزشی کارکنان دستگاه‌های قضایی با تمرکز بر علوم روانشناختی.

هفتم- ایجاد فضای تعامل بین دستگاه‌های قضایی با دو نهاد اصلی دارای تکلیف قانونی، جهت پیشگیری از وضعیت مخاطره‌آمیز نسبت به اشخاص زیر هجده سال با بهره‌گیری از کارکردهای تأثیرگذار در دنیا مانند حضور قضات در مدارس.<sup>۱۸</sup>

هشتم- تقویت رویکرد والدین نسبت به اطفال و نوجوانان بزهکار، با هدف پیشگیری‌های بیشتر از جهت جسمی، روانی، اجتماعی و اخلاقی<sup>۱۹</sup> یا وضعیت آموزشی با استفاده از نهادهای قانونی دارای تکلیف پیگیری با اجتماعی شدن اطفال و نوجوانان دارای رفتار معارض با قانون.

نهم- ایجاد فضای تعامل بین نهادهای ترمیمی و دستگاه‌های قضایی با دانشگاه‌ها جهت ارتقاء راهبردهای تئوری و پژوهش و بررسی عوامل موجد و کاهنده تنش‌های اجتماعی و فرهنگی بزهکاری اطفال و نوجوانان.

دهم- تشکیل دادگاه اطفال در مفهوم واقعی آن و به‌صورت دادگاه تخصصی و اختصاصی امری ضروری به نظر می‌رسد. به این منظور، از یک سو باید به تربیت نیروهای آگاه به مسائل دادرسی اطفال توسط قوه قضاییه و مراکز دانشگاهی و به کارگیری آنان به‌عنوان قاضی، ضابطین دادگستری و کلاهی ویژه اطفال، اصل تخصصی و دادرسی اطفال را تأمین کرد و از دیگر سو با توجه به پذیرش

۱۸- همچون کشور سنگاپور

۱۹- جلوگیری از برچسب زنی و انگ زنی

دادگاه‌های اختصاصی در نظام قضایی کشورمان، به تشکیل دادگاه اختصاصی اطفال که تنها صالح به رسیدگی جرائم اطفال و اشخاص بالغ کمتر از هجده سال باشد، اقدام نمود.

یازدهم- ورود اطفال به روند دادرسی بزگسالان و گاه دادرسی ویژه آنان ممکن است به لحاظ جسمی و روانی و حقوقی آسیب زا باشد. ازاین‌رو، اقدامات قضازدایی از ابتدای پاسخگویی به عمل مجرمانه اطفال، با هدف اجتناب از تماس غیرضروری اطفال با نظام قضایی رسمی و اجتناب از تحقیقات و محاکمه رسمی، شایسته توجه جدی قانون‌گذار است.

دوازدهم- وارد عمل شدن نهادهای مسئول ذکر شده قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹. سیزدهم- تشکیل و راه اندازی پلیس ویژه اطفال مستند به ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

چهاردهم- مداخله و پذیرش اقدامات سازمان‌های مردم نهاد مستند به ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و تبصره ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

پانزدهم- به کارگیری نیروهای متخصص و آموزش دیده در فرایند رسیدگی. چنان چه در ماده ۳۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ بر لزوم اشخاص آموزش دیده در تمامی اقدامات و تحقیقات صحه گذارده است. همچنین، بر اساس ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بر ضابطان آموزش دیده زن تأکید شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

## منابع

- پرادل، ژان، ۱۴۰۲، **تاریخ اندیشه‌های کیفری**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات سمت.
- غلامی، حسین، ۱۳۹۰، **تکرار جرم**، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
- غلامی، حسین، ۱۴۰۱، **کیفرشناسی**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات میزان.
- مؤذن زادگان، حسنعلی و غلامی، نبی اله، ۱۳۹۷، واکاوی تحولات قانون آیین دادرسی کیفری درباره قرارهای تأمین کیفری اطفال و نوجوانان، **دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده**، شماره ۷۰.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، ۱۴۰۳، **دانشنامه جرم‌شناسی**، چاپ هفتم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- نجفی توانا، علی، ۱۳۹۸، **نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- نوریها، رضا، ۱۴۰۳، **زمینه حقوق جزای عمومی**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات میزان.

# Legal Civilization

ISSN: 2873-1841  
ISSN: 2873-1922

No.27- Spring 2026

- Burden of Proof and Admissibility and of Evidence in International Commercial Arbitration  
**Homayoun Mafi, Maedeh Asgharzadeh**
- Analysis the Practice of Determining the Jurisdiction of the International Criminal Court to Adjudicate Forced Marriage  
**Mohammad Hossein Ramezani Ghavamabadi, Pouria Ebrahimzadeh**
- Legal Rethinking of the Use of Artificial Intelligence for the Enforcement of Punishment  
**Amirreza Mahmoudi, Anusha Zafari Kore Tash**
- Federative Rights in Football: Approaches of the Legal Systems of Iran, France, England, Argentina, Brazil, Spain and Colombia  
**Behnam Noorzadeh**
- Conflict of the Regulation of the Third Article of the Mandatory Formal Registration of Immovable Properties with Laws and Legal Principles  
**Akbar Iman Poor, Sahand Nejadi Ijadkar**
- Criminal Personality and Its Relationship with Effective Punishment  
**Maryam Bahmai, Mostafa Karamipour**
- Challenges and Obstacles to Interpreting Contracts in Iranian Law  
**Farzin Yazdan Panah, Mohammadreza Nasiri**
- Measures to Prevent Financial Corruption in the Banking System  
**Alireza Deraei, Sayyed Ebrahim Mortazavi, Amirhasan Abolhasani**
- Divorce at the Request of the Woman in the Iranian Legal System  
**Mohammad Ahmadi, Helma Sadat Zorrieh Kermanshahi**
- Assessing the Criminal Nature of Online Lotteries in Iranian Law  
**Mohammadhossein Hajeb, Zahra Rabbani, Roya Asiaei**
- Mutual Sale Contract in the Iranian Legal System  
**Sadegh Mohebbi, Mohammadali Jahani**
- Features and Characteristics of Cybercrimes in the Iranian Criminal System  
**Seyedeh Elaheh Babonaki**
- Studying the Right to Employment of Women in International Law  
**Habibolah Abdollah Poor, Sama Khodayari**
- The Effectiveness of Security and Educational Measures in the Resocialization of Juvenile Delinquents; A Case Study of Shahid Fakhmideh Judicial Complex  
**Leila Ahadi**
- Retaliation in the Quran and its Place in Islamic Penal Policy  
**Rojin Masoudi, Jamal Rezaei Hossein Abadi**
- a Legal Analysis of the Regulatory Structure of the Unorganized Monetary Market in Iran: from Conceptual Ambiguities to Legislative and Executive Challenges  
**Ali Babaei**
- The Impact of Independent International Institutions on the Effectiveness of Sanctions in International Trade Law  
**Elahe Ghorban Karimi**
- Based on the Best Interests of the Child; an Analysis of Custody with a Legal, Jurisprudential and Psychological Approach to Identifying Legislative Gaps  
**Mona Komeyli**
- Human Rights-Based Rehabilitation and Its Limitations in the Iranian Penal System  
**Amin Reza Bahar Falamarzi**
- an Analysis of Strict Civil Liability in Chemical Industry Accidents; a Case Study of Iranian Methanol Production Units  
**Mohammad Jokar, Sasan Vazin Pour**
- Pathology of Lethal Punishment in Iranian Criminal Law  
**Mohammadreza Rezaei**
- Implementing Regulations on Land Nationalization, Especially Endowment Lands, with Emphasis on Judicial Practice  
**Esmail Chogani**
- International Criminal Policy Against Genocide: A Comparative Analysis in International Criminal Tribunals  
**Ali Hadian Haghighi, Saber Sayyari Zohan**
- Criminological Analysis of Kolbari in the Border Areas of Iran and its Comparison with the Kalba  
**Morteza Hashem Pour**
- Legal Challenges and Harms of Unauthorized Accredited Institutions in the Iranian Monetary System  
**Amin Aminl Nezhad**
- The Impact of Prefrontal Cortex Dysfunction on Criminal Responsibility in the Crime of Intentional Murder  
**Hamid Ghiasi, Mehdi Shaban Zadeh**
- Artificial Intelligence and the Right to a Fair Trial in Light of the Iranian Constitution  
**Pouria Zhoulideh**
- Impact of Government Expenditure and Debt on Stock Market Growth in Iran  
**Razieh Hojjati Nezhad**
- the Position of the Central Counterparty Institution and Its Impact on the Principle of Privity of Contracts in Cross Border Transactions in the Legal Systems of Iran, Europe and the United States of America  
**Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi**
- Strategies to Combat and Deal with Cybercrime  
**Ahmad Padidar**